

تبیین رفتار کارآفرینانه در پرتو مفهوم شاکله‌ی دینی

سیدرضا حجازی^{۱*}

۱. استادیار دانشکده کارآفرینی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۱۲/۲۷، تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۳/۲۳)

چکیده

در این مقاله مفهوم کارآفرینی ارزشی و رفتار کارآفرینانه از منظر دین اسلام و مهم‌ترین عامل اثرگذار بر این رفتار که از منظر دین شاکله نام دارد (که از آیه‌ی ۸۴ سوره‌ی مبارکه‌ی اسراء اخذ شده)، تشریح شده و نقش شاکله بر رفتار کارآفرینانه تحلیل و بررسی شده و نظریه‌ای رفتاری مبتنی بر شاکله ارائه شده است. روش پژوهش از نوع کیفی و بررسی اسناد و مدارک دینی و کدگذاری بوده و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند هر شخصی با توجه به شاکله‌ی خویش رفتار می‌کند و تغییر رفتار منوط به تغییر شاکله می‌باشد. با توجه به این واقعیت، تبیین تغییر رفتار کارآفرینانه انجام شده و راه‌کاری برای ارتقای رفتار کارآفرینانه مبتنی بر مراتب وجودی انسان از منظر دینی ارائه شده است. برای ایجاد رفتار کارآفرینانه باید در عمیق‌ترین لایه‌های وجودی دست به تحول بنیادین و دائمی زده و به روح ایمان دست یافت. این کار جز با شناخت عمیق مراتب روح (شاکله) و پیروی از دستورات شرع امکان‌پذیر نیست.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، کارآفرینی دین‌محور، کارآفرینی ارزشی، شاکله، مراتب روح

مقدمه

کارآفرینی تعاریف متعددی دارد. افرادی مانند شومپتر شاخص نوآوری را ملاک کارآفرینی قرار داده‌اند و افرادی مانند کرزنر بیش‌تر بر شاخص فرصت در تعریف کارآفرینی تأکید کرده‌اند (Baron & Shane, 2005; Timmons, 2005). از اوایل دهه‌ی ۱۹۶۰ توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به متغیرهای شخصیتی و جمعیت‌شناختی معطوف شده و از مطالعات آن‌ها با عنوان دو رویکرد ویژگی‌ها و رفتاری یاد می‌شود. درونمایه‌ی اصلی در رویکرد ویژگی‌ها یا روان‌شناختی به کارآفرینی بر اساس تفاوت قائل شدن بین کارآفرین با غیر کارآفرین باز می‌گردد. در این رویکرد فهرستی از ویژگی‌هایی هم‌چون نیاز به توفیق، تمایل به مخاطره‌پذیری، داشتن مرکز کنترل درونی، استقلال‌طلبی، تحمل ابهام، عزم و اراده، پشتکار، اتکای به نفس و غیره را به‌عنوان ویژگی‌های کارآفرین معرفی کرده‌اند. نتیجه‌ای که رویکرد روان‌شناختی می‌گیرد این است که افرادی کارآفرین می‌شوند که جوهره‌ی کارآفرینی دارند. از این رو این بحث مطرح می‌شود که چگونه می‌توان ویژگی‌های کارآفرینانه را به افراد غیر کارآفرین منتقل کرد. هم‌چنین در رویکرد رفتاری، سعی بر این بوده تا ضمن تعیین عوامل محیطی اثرگذار بر کارآفرین یک سری از الگوهای رفتاری برای کارآفرینان معرفی شود (Jennings, 1994). به نقل از احمدپور داریانی، (۱۳۸۳).

در ادبیات کارآفرینی، مطالعات اندکی درباره‌ی نقش دین و باورهای دینی در کارآفرینی انجام شده است. اغلب مطالعات انجام شده استقرایی بوده و با مشاهده‌ی رفتار افراد سعی کرده‌اند به الگوی رفتاری کارآفرین دست یابند. از این رو در این مقاله سعی شده تا ضمن معرفی مفهوم کارآفرینی ارزشی، به مهم‌ترین عامل اثرگذار بر آن که در ادبیات دینی از آن به شاکله یاد می‌شود، پرداخته شود. مفهوم شاکله از آیه‌ی ۸۴ سوره اسراء اخذ شده که بیان می‌دارد هر شخصی با توجه با شاکله‌ی خویش عمل می‌کند. از این رو سعی شده با تبیین مفهوم کارآفرینی ارزشی و رفتار کارآفرینانه در لوای دین، به الگوسازی این رفتار با نظریه‌ی شاکله پرداخته و راه کاری به‌منظور ارتقای وجودی برای ارتقای رفتار کارآفرینانه با توجه به مبانی دینی ارائه شود.

مروری بر ادبیات و پیشینه‌ی تحقیق

واژه‌ی کارآفرینی معادل واژه‌ی Entrepreneurship در انگلیسی می‌باشد که اصل آن، واژه‌ی فرانسوی Entreprenre به معنای متعهد شدن و الزام کردن شخص است (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳). هر چند تعاریف بسیار زیادی از کارآفرینی ارائه شده اما در یک تعریف می‌توان گفت: «کارآفرینی عبارتست از فرایند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه‌ی منحصر به فردی از منابع برای بهره‌گیری از فرصت‌ها» (Stevenson, 1989) به نقل از احمدپور داریانی، ۱۳۸۳). این تعریف از این‌رو انتخاب شده است که در آن به ایجاد ارزش و استفاده از فرصت‌ها اشاره می‌کند که به‌عنوان مبنایی برای نظریه‌پردازی این مقاله اهمیت دارد. در تعریف دیگری از «جفری تیمونز» (۱۹۹۰) چنین می‌آید: «کارآفرینی خلق و ایجاد بینشی ارزش‌مند از هیچ است. کارآفرینی فرایند ایجاد و دستیابی به فرصت‌ها و دنبال کردن آن‌ها بدون توجه به منابعی می‌باشد که در حال حاضر موجود است. کارآفرینی شامل خلق و توزیع ارزش و منابع بین افراد، گروه‌ها، سازمان‌ها و جامعه می‌باشد.» در این تعریف نیز به خلق ارزش و استفاده از فرصت اشاره شده و مبنای کار این مقاله است. جمع‌بندی نظریه‌های مختلف نشان می‌دهد کارآفرینی، فرایندی می‌باشد که در شبکه‌ی متغییری از روابط اجتماعی واقع شده و این روابط اجتماعی می‌توانند رابطه‌ی کارآفرین را با منابع و فرصت‌ها محدود یا تسهیل کنند (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳). در نهایت عمل کارآفرین منجر به خلق ارزش می‌شود. پژوهش‌گران دیگری نیز به شاخص خلق ارزش برای کارآفرینی اشاره کرده‌اند.

خلق ارزش: ملاک کارآفرینی

با مبنا قرار دادن تعاریف یادشده از کارآفرینی، شاخص «خلق ارزش» به‌عنوان ملاک کارآفرینی در نظر گرفته می‌شود. از این‌رو می‌توان گفت رفتار کارآفرین، ارزش آفرینی بوده و رفتار کارآفرینانه همان رفتار ارزش آفرینانه است. می‌توان گفت رفتار کارآفرینانه نوع خاصی از رفتار در موقعیت‌های مختلف می‌باشد که منجر به ایجاد ارزش می‌شود.

کارآفرینی ارزشی و زندگی کارآفرینانه

کارآفرینی ارزشی نوعی رفتار است که می‌تواند در هر یک از حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و غیره بروز نماید. می‌توان بر مبنای این نوع رفتار خاص، کارآفرین اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و یا فرهنگی تعریف کرد. هر چند امکان دارد فعالان بسیاری در این حوزه‌ها باشند که رفتارهایی غیر کارآفرینانه از خود بروز می‌دهند. به عبارت دیگر رفتارهایی که به خلق ارزش در هیچ یک از این حوزه‌ها منجر نمی‌شود مصادیقی از کارآفرینی ارزشی نخواهد بود. پس می‌توان نتیجه گرفت کارآفرینی ارزشی یک نوع نگرش، یک فرهنگ و یک سبک زندگی می‌باشد که در آن ارزش‌آفرینی ملاک عمل و رفتار فرد است. چنین تفکری را در یک زندگی دینی می‌توان یافت (صمدآقایی، ۱۳۸۷). وقتی از منظر دینی به کارآفرینی ارزشی نگریسته می‌شود بحثی با عنوان زندگی کارآفرینانه مطرح می‌شود. صمدآقایی (۱۳۸۷) در کتاب «کارآفرینی پیشرفته» مفهوم زندگی کارآفرینانه را چنین تبیین می‌کند: «زندگی کارآفرینانه زندگی است که جست‌وجوگری، تکاپو و تلاش مستمر و بدون وقفه برای رسیدن به کمال در آن جریان دارد. زندگی که خلاقیت جوهره‌ی آن و هیچ‌گاه به وضع موجود اکتفا نمی‌شود. زندگی که در آن شوق و صراحت و نشاط و صداقت و مثبت‌اندیشی آذوقه راه و سفر بوده و در آن ارزش فرصت‌ها بسیار بیش‌تر از ارزش طلاست و امروزت با فردایت یکسان نیست و هر لحظه باید تصمیمی جدی و سرنوشت‌ساز بگیری. زندگی که در آن خلاقیت به معنویت می‌انجامد و معنویت به خلاقیت، زندگی که در آن خودشناسی یعنی خداشناسی و آگاهی از کارکرد نظام فراشناختی ذهن و کنترل آن، در این زندگی است که افراد به فراآگاهی می‌رسند و با دقت در فهم خود و رسیدن به خویش‌شن خویش یک ساعت تفکرشان بهتر از سال‌ها عبادت می‌شود. زندگی که در آن عقل به اندازه‌ای رشد می‌یابد که دست خود را به عاقل‌تر از خود می‌دهد. در این زندگی دنیا مزرعه‌ی آخرت بوده و دروغ‌گو دشمن خداست. در زندگی کارآفرینانه افراد مشغول ارزش‌آفرینی به معنی عام آن می‌شوند و یا ارزش‌های مادی می‌آفرینند (کارآفرینان اقتصادی) و یا ارزش‌های معنوی (کارآفرینان اجتماعی، سیاسی، فرهنگی). زندگی کارآفرینانه زندگی می‌باشد که فرد

حازم در اسلام دارد؛ چون حازم یعنی: محکم‌کننده‌ی کار؛ دوران‌دیش؛ اصلاح‌کننده‌ی امروز؛ دارای پشتکار توأم با اعتماد به نفس؛ عاقل؛ خیراندیش، فرصت‌جو؛ و این‌ها همه‌ی معانی حزم از احادیث روایات شده از حاملان دین اسلام است. در این زندگی پرده‌ی پندار دریده می‌شود و دنیا و آخرت، عقل و دل، علم و عمل و ماده و معنا و روح و جسم با هم تنیده شده و به یک زبان می‌گویند: سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر. (همان منبع). با توجه به شاخص خلق ارزش و نیز مفهوم زندگی کارآفرینانه، کارآفرینی ارزشی نوعی شیوه‌ی زندگی دینی می‌باشد که در آن در تمامی زوایا و ابعاد زندگی خلق ارزش روی می‌دهد. در حیطه‌ی اقتصادی خلق ارزش اقتصادی و در سایر حیطه‌ها خلق ارزش‌های معنوی به وقوع می‌پیوندد و مصداق‌های خلق ارزش در تمامی ابعاد زندگی خود را نشان می‌دهد. کارآفرینی ارزشی شیوه‌ای از زندگی است که در آن کارآفرین ارزشی هم‌چون رودخانه‌ای خروشان همواره جاری بوده و توقف و سکون برای او معنایی ندارد.

سوال اساسی که وجود دارد و الگوهای موجود رفتاری نمی‌توانند به آن پاسخ بدهند این است که چگونه می‌توان چنین شیوه‌ی زندگی را در فرد نهادینه کرد؟ به عبارت دیگر چگونه فردی که ویژگی‌های یادشده را ندارد می‌بایست به فردی تبدیل شود که طبق تعریف یادشده یک کارآفرین ارزشی است؟ در مدل‌های موجود پاسخی برای این سوال یافت نمی‌شود. از این‌رو هدف این مقاله تبیین رفتار کارآفرینانه در پرتو مفهوم شاکله‌ی دینی بوده که براساس آن یک الگوی رفتاری برای ایجاد تغییر دایمی رفتار در فرد ارائه شود.

نیاز به رایه یک الگوی رفتاری در پرتو مفاهیم دینی

همان‌گونه که بیان شد، این مقاله می‌خواهد به این سوال پاسخ دهد که چگونه می‌توان به سطح زندگی کارآفرینانه دین‌محور رسید؟ با مراجعه به ادبیات کارآفرینی مشاهده می‌شود مطالعات اندکی درباره‌ی نقش دین و باورهای دینی در کارآفرینی انجام شده است. الگوهای رفتاری موجود مبتنی بر مطالعات استقرایی رایه شده‌اند. از این‌رو در این مقاله تلاش می‌شود تا در پرتو مفاهیم دینی به‌ویژه مفهوم شاکله به الگوسازی این رفتار با

نظریه‌ی شاکله پرداخته و با توجه به مبانی دینی راه‌کاری به‌منظور ارتقای وجودی برای ارتقای رفتار کارآفرینانه ارائه شود.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کیفی بوده، و با استفاده از تحلیل محتوای متون دینی بر مبنای بررسی اسناد و مدارک و کدگذاری داده‌های به‌دست آمده، انجام شده است. در این پژوهش دو روش کدگذاری باز و محوری برای تحلیل داده‌های به‌دست آمده از اسناد و مدارک دینی به کار رفته و سعی شده است نظریه‌ای مبتنی بر نتیجه‌ی کدگذاری ارائه شود. در این پژوهش از کدگذاری باز و محوری برای کشف مفاهیم (متغیرها) و ارتباط آن‌ها با یک‌دیگر برای رسیدن به نظریه‌ی مبتنی بر شاکله به‌منظور توضیح نقش شاکله در کارآفرینی دین‌محور استفاده شده است. نوع نمونه‌گیری در این پژوهش عمدی (و نه احتمالی) بوده و داده‌های اولیه‌ی به‌دست آمده از متون دینی، بررسی و تحلیل شده تا اولین مقوله‌ها به‌دست آیند. سپس به جست‌وجوی سرخ‌هایی برای گردآوری داده‌های بیش‌تر پرداخته شده و این عمل به‌صورت رفت و برگشتی صورت گرفته تا معانی مقوله‌ها پخته‌تر و آشکارتر شوند و نظریه‌پردازی ممکن شود. این کار تا اشباع داده‌ها انجام شده است.

یافته‌ها

این سوال که «چگونه می‌توان به سطح زندگی کارآفرینانه‌ی دین‌محور رسید؟» در قرآن کریم پاسخی دارد. پاسخی که به‌صورت اجمالی به سوال پژوهش داده می‌شود، بحث «شاکله» می‌باشد. تکوین نظریه‌ی اولیه با مراحل زیر انجام شده است:

۱. گردآوری داده‌های متنی از متون دینی با مطالعه‌ی اسناد و مدارک

قرآن کریم در سوره‌ی اسراء بیان می‌کند که هر کس بر مبنای شاکله‌ی خود رفتار می‌کند: **قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهٖ فَرُبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰی سَبِيْلًا (الاسراء- ۸۴)** [ترجمه: بگو: «هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند، و پروردگار شما به هر که راه‌یافته‌تر باشد داناتر است.»] و در ادامه از روح سخن به میان می‌آید:

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (الاسراء- ۸۵) -
[ترجمه: و درباره‌ی روح از تو می‌پرسند، بگو: «روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.»]

۲. کدگذاری باز و تعیین مقوله‌های کدگذاری باز

جدول شماره (۱) کدگذاری باز از داده‌های متنی اولیه نشان می‌دهد.

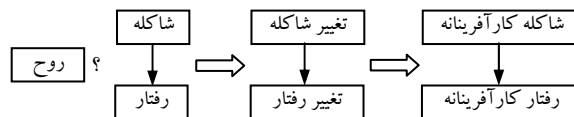
جدول ۱. کدگذاری باز و استخراج مقوله‌ها از متون دینی

مقوله‌های کدگذاری باز	گزاره‌های متنی حاصل از متون دینی
شاکله	قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ
عمل کردن (رفتار)	
پرورش یافتن (رب)	فَرَّبْكُمْ أَغْلَمُ بَمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا
هدایت یافتگی (تغییر رفتار در جهت خاص)	
روح	وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

مقوله یا پدیده‌ی اصلی انتخاب شده شاکله می‌باشد. تحلیل محتوای این آیه نشان می‌دهد که شاکله نسبت به رفتار جنبه‌ی علی دارد. از این رو می‌توان در کدگذاری محوری نسبت بین این دو مقوله (شاکله و رفتار) را به صورت علی و معلولی نشان داد.

۳. کدگذاری محوری و آرایه‌ی الگوی اولیه

وقتی ارتباط بین مقوله‌ها به دست آمده و نمایش داده شود، کدگذاری محوری انجام شده است. برخی از مقوله‌ها نسبت به مقوله‌ی اصلی شرایط علی داشته و برخی پیامد آن محسوب می‌شوند. شرایط علی نسبت به شاکله هنوز مبهم می‌باشد و نیاز به داده‌های متنی بیش‌تری دارد. اما پیامد شاکله، رفتار است. از این رو کدگذاری محوری به صورت شکل شماره (۱) انجام می‌شود.



نمودار ۱. کدگذاری محوری و بیان ارتباط بین دو مقوله‌ی رفتار و شاکله

بر اساس نمودار شماره (۱) شاکله نسبت به رفتار شرایط علی دارد اما شرایط علی نسبت به خود شاکله مبهم و نامشخص می‌باشد. از داده‌های موجود ارتباط روح با سایر مقوله‌ها نیز مبهم بوده و از این رو با علامت سوال مشخص شده است.

تحلیل محتوا از آیه‌ی مطرح شده نشان می‌دهد رفتار هر فرد برگرفته از شاکله‌ی اوست. برای تغییر دایمی در عمل و رفتار، باید شاکله را تغییر داد. این نظریه از واژه‌ی ربّ که به معنای پرورش دهنده‌گی می‌باشد، استخراج می‌شود و نیز واژه‌ی هدایت یافته‌تر بودن به معنی داشتن شاکله‌ی بهتر و در نتیجه رفتار بهتر است. از این رو اگر قرار باشد مقوله‌ای (پدیده‌ای) به نام رفتار کارآفرینانه تعریف شود، برگرفته از مقوله‌ای (پدیده‌ای) به نام شاکله‌ی کارآفرینانه می‌باشد.»

حال برای تبیین بهتر و دقیق‌تر باید داده‌های بیش‌تری گردآوری شده و تحلیل شود. هم‌چنین سوال‌هایی که مطرح می‌شوند عبارتند از: (۱) شاکله چیست؟ (۲) شاکله از چه عواملی اثر می‌پذیرد؟ و (۳) این عوامل باید چگونه باشند تا منجر به رفتار کارآفرینانه شوند؟ به عبارت دیگر نقش شاکله در کارآفرینی دین‌محور و رفتار کارآفرینانه چیست؟ با مراجعه به متون دینی داده‌های بیش‌تری جمع‌آوری شده و در بخش‌های فرعی زیر تقسیم‌بندی و مجدداً به صورت هم‌زمان تحلیل شده‌اند. تحلیل و ارایه‌ی الگوی تکمیلی در ادامه بیان می‌شود.

۴. معنی لغوی و بحث تفسیری شاکله

برخی اشاره کرده‌اند شاکله از ماده‌ی شکل بوده و به معنای مثل و مانند می‌باشد و برخی آن را از ماده شکل دانسته که در لغت به معنی صورت، شکل و هیأت است. به عنوان مثال وقتی گفته می‌شود: علی شاکله‌ی ایبه؛ یعنی: بر هیأت پدر خویش است (اساس البلاغه و اقرب الموارد). علامه‌ی طباطبایی در تفسیر المیزان ذیل آیه «قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا» (اسراء، آیه ۸۴)، بیان می‌کند که شاکله از ماده شکل بوده و به معنای بستن پای چارپا است، و آن طنابی می‌باشد که با آن پای چارپایان را می‌بندند و به آن «شکال» می‌گویند. اگر خُلُق و حُوی را شاکله خوانده‌اند بدین مناسبت است که آدمی را محدود و مقید می‌کند و او را وادار می‌نماید تا به مقتضی و طبق آن اخلاق، رفتار

کند (طباطبائی، ۱۳۷۴؛ راغب اصفهانی، ۱۳۸۸). شاکله به معنای طریقت و مذهب نیز آمده، زیرا مذهب رهروان و منسوبان به خود را ملتزم می‌کند که از مسیر مذهب منحرف نشوند و به گونه‌ای آن‌ها را می‌بندد. به هر حال این آیه‌ی کریمه، عمل انسان را مترتب بر شاکله‌ی او دانسته به این معنا که عمل هر چه باشد مناسب با اخلاق آدمی است، چنان‌چه در فارسی گفته‌اند: «از کوزه همان برون تراود که در اوست».

۵. نقش اقتضایی شاکله در رفتار و نه علت تامه بودن آن برای رفتار

حال این سوال مطرح می‌شود که آیا شاکله علت تامه برای رفتار می‌باشد؟ به عبارت دیگر، فردی با یک شاکله مشخص، مجبور است به گونه‌ای خاص رفتار کند؟ در این میان نقش اختیار انسان چه می‌شود؟ در پاسخ با این سوال علامه طباطبائی بیان می‌کند که شاکله در آیه‌ی *كُلُّ يَوْمٍ يَكْفُلُ عَلَيَّ شَاكِلَتَهُ*، تنها یک اقتضا می‌باشد نه علت تامه. یعنی فرد اقتضای یک رفتار خاص را دارد. به عنوان مثال ویژگی درونی و *خُلُق* یک شخص مبتنی بر بخشندگی بوده و به راحتی می‌بخشد. اما عوامل دیگری از جمله اختیار آن فرد نیز در بخشندگی بودن او اثرگذار می‌باشد. یا شاکله‌ی فرد دیگری *بُخْل* است و برای بخشش باید بر شاکله‌ی خود غلبه کند، یعنی بر اقتضات خود غلبه کند. از این‌رو این‌گونه تغییر رفتار برای چنین فردی کار دشواری می‌باشد.

سایر آیات نیز تأییدکننده‌ی این مفهوم‌اند. از جمله: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا»؛ و زمین پاک بیرون می‌آید زراعت او به فرمان پروردگار آن و آن زمین که ناپاک است بیرون نمی‌آید نبات آن مگر در حالتی که اندک و بی‌نفع است (سوره‌ی اعراف، آیه ۵۸). آیه‌ی دیگری که این مفهوم را تأیید می‌کند این آیه می‌باشد: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» - و این که برای انسان جز حاصل تلاش او نیست» (سوره‌ی نجم، آیه ۳۹). هم‌چنین می‌توان گفت شاکله ابعاد متعددی داشته و برخی از آن‌ها به ویژگی‌ها و صفات جسمی و برخی دیگر به ویژگی‌ها و صفات روحی بر می‌گردد. از این‌رو برای شناخت دقیق‌تر شاکله باید ساختار وجودی انسان از منظر دینی تحلیل شود. اما نکته‌ای که از این تحلیل به دست می‌آید این است که برای تغییر رفتار به صورت دائمی باید شاکله را تغییر داد و امکان این کار وجود دارد. شکل شماره (۱) چنین الگویی را نشان می‌دهد.

۶. بررسی ساختار وجودی انسان از منظر دینی برای تبیین مفهوم شاکله

الف- گردآوری داده‌ی متنی با مطالعه‌ی اسناد و مدارک: برای تبیین مفهوم شاکله، با مراجعه با داده‌های به‌دست آمده از متون دینی به این حدیث از امام علی علیه‌السلام می‌رسیم: **الْعُقُولُ أُنْمَةُ الْأَفْكَارِ، وَالْأَفْكَارُ أُنْمَةُ الْقُلُوبِ، وَالْقُلُوبُ أُنْمَةُ الْحَوَاسِ، وَالْحَوَاسُ أُنْمَةُ الْأَعْضَاءِ.** عقل پیشوای فکر؛ و فکر پیشوای قلب؛ و قلب پیشوای حواس، و حواس پیشوای اعضاء است (مجلسی، ۱۴۰۴ق).

ب- کدگذاری باز: برای تحلیل داده‌ها کدگذاری باز و محوری انجام می‌شوند (جدول شماره ۲ و نمودار شماره ۲):

جدول ۲. مقوله‌های کدگذاری باز

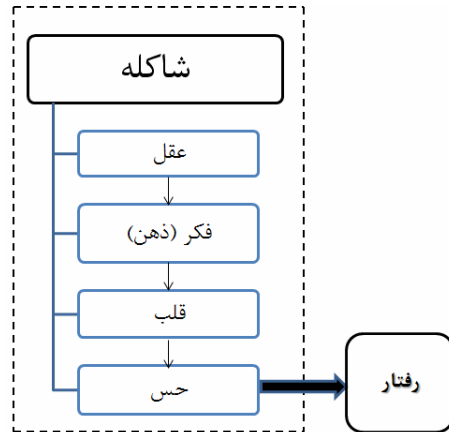
مقوله‌های کدگذاری باز	گزاره‌های متنی به‌دست آمده از متون دینی
عقل	الْعُقُولُ أُنْمَةُ الْأَفْكَارِ
فکر	وَالْأَفْكَارُ أُنْمَةُ الْقُلُوبِ
قلب	الْقُلُوبُ أُنْمَةُ الْحَوَاسِ
حس	وَالْحَوَاسُ أُنْمَةُ الْأَعْضَاءِ
عضو	

ج- کدگذاری محوری و الگوی رفتاری به‌دست آمده از تحلیل محتوای حدیث: حدیث بیان‌گر تحلیلی از شخصیت انسان است؛ عقل سازنده‌ی افکار می‌باشد، افکار سازنده‌ی عواطف و احساسات بوده و عواطف، هدایت‌گر حواس انسان است و رفتار از حواس تبعیت می‌کند (نمودار شماره ۲).



نمودار ۲. کدگذاری محوری و بیان ارتباط بین مقوله‌ها: مراتب وجودی ساختار شخصیتی انسان و الگوی رفتاری او مبتنی بر کلام امام علی علیه‌السلام

د- توضیح الگوی رفتاری مبتنی بر شاکله: از تلفیق شکل‌های شماره (۱) و (۲) می‌توان به الگوی جامع‌تری در مورد نظریه‌ی رفتاری شاکله دست یافت (نمودار شماره ۳):



نمودار ۳. تشریح نظریه‌ی تکمیل‌شده‌ی رفتاری مبتنی بر شاکله با تشریح مراتب وجودی انسان با تحلیل داده‌های به‌دست آمده از متون دینی

در توضیح الگوی رفتاری ارایه شده می‌توان گفت: «برای داشتن رفتار کارآفرینانه باید، حس (به‌طور مثال انگیزه) کارآفرینانه داشت، برای داشتن انگیزه یا حس کارآفرینانه باید ذهن یا فکر کارآفرینانه داشت و برای داشتن ذهن کارآفرینانه باید عقل کامل شده داشت». آشنایی به این موضوع و درک بالای آن موجب شوق و افزایش آن می‌شود تا انسان اقدام به عمل کند. براساس این نظریه تمام اعمال و رفتار فرد رابطه‌ی محکمی می‌باشد میان عقل، فکر، قلب، احساس و عمل. از آن‌جا که شاکله چیزی است که موجب رفتار می‌شود، می‌توان گفت ملکه‌سازی مبتنی بر تکرار رفتارهای مفید و سازنده منجر به ایجاد شاکله‌ی کارآفرینانه می‌شود.

۷. تشریح اجزای الگوی رفتاری مبتنی بر شاکله

برای تشریح اجزای الگو، داده‌های برگرفته از متون دینی تحلیل و واکاوی می‌شوند تا تصویر جامع‌تری از مدل به‌دست آید.

الف- عقل: ابتدا داده‌های متنی به‌دست آمده از متون دینی ارایه می‌شوند: الإمام

علی(ع): الْعَقْلُ رَسُولُ الْحَقِّ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶) عقل فرستاده‌ی حق است. الإمام علی(ع): الْأَنْسَانُ بِعَقْلِهِ (همان منبع) انسان به عقل خویش، انسان است. الإمام الباقر(ع): لَا مُصِيبَةَ كَعَدَمِ الْعَقْلِ، وَ لَا عَدَمَ عَقْلٍ كَقَلَّةِ الْيَقِينِ (ابن شعبه، ۱۳۷۸) هیچ مصیبتی هم چون بی‌خردی نیست، و هیچ بی‌خردی هم چون کمی یقین نیست. الإمام الصادق(ع): دِعَامَةُ الْإِنْسَانِ الْعَقْلُ؛ وَ مِنَ الْعَقْلِ الْفِطْنَةُ وَ الْفَهْمُ وَ الْحِفْظُ وَ الْعِلْمُ. فَإِذَا كَانَ تَأْيِيدُ عَقْلِهِ مِنَ النُّورِ، كَانَ عَالِمًا، حَافِظًا، فَطِنًا، فَهَمًّا. وَ بِالْعَقْلِ يَكْمُلُ، وَ هُوَ دَلِيلُهُ وَ مُبْصِرُهُ وَ مِفْتَاحُ أَمْرِهِ (صدوق، ۱۴۳۱ق) ستون وجود آدمی، عقل است. زیرکی و فهم و به یادسپاری (حفظ مطالب و علوم) و دانشوری (علم)، از خواص عقل است. و هرگاه عقل، از نور (معنوی)، نیرو گرفته باشد (و عقل آدمی، عقل نوری شود)، انسان، «دانشور» و «به یادسپارنده‌ی علم» و «هوشمند» و «زیرک» و «فهم» خواهد بود. آدمی به عقل، کامل می‌شود. و عقل، راهنما و سبب بینایی و کلید مشکل‌گشای امور انسان است. الإمام الصادق(ع): الْعَقْلُ مَا عُجِدَ بِهِ الرَّحْمَانُ وَ اِكْتَسِبَ بِهِ الْجَنَانُ (کلینی، ۱۳۷۹). عقل آن است که رحمان بدان پرستیده شود و جنان بدان کسب گردد. هم‌چنین عقل از دیدگاه حکمای اسلام چنین تعریف می‌شود: (۱) قوه‌ی عاقله که با علم و عمل رو به کمال می‌رود و انسان به وسیله‌ی آن مدارج کمال را طی می‌کند (سبزواری، ۱۳۸۴). (۲) عقل کلی عالم: عقلی است که همه‌ی عالم آفرینش زیر سایه‌ی او بوده و برای وحدت عالم می‌باشد (همان منبع). هر دو تعبیر یادشده در روایت‌ها به کار رفته و هم‌چنین بیان شده است که از برای هر یک از این عوالم انسانی (که عبارتند از: (۱) عالم دنیا و ملک و شهادت، (۲) عالم برزخ و (۳) عالم آخرت و غیب)، کمال خاص و تربیت مخصوصی بوده و عملی است مناسب با نشئه و مقام خود، و انبیاء، علیهم‌السلام، متکفل دستور آن اعمال هستند. نمودار شماره (۴) این مراتب سه‌گانه را نشان می‌دهد.

از تلفیق نمودارهای شماره (۳) و (۴) این نتیجه به‌دست می‌آید که شاکله‌ی انسان مربوط به ملکه‌سازی در هر سه مرتبه‌ی انسان می‌شود؛ یعنی مراتب: عقل، قلب و حس.

ب- فکر: یکی از ویژگی‌های مهم فکر تأثیری است که بر قلب و سایر اعضای بدن می‌گذارد. داده‌های متنی در مورد فکر عبارتند از: أمير المؤمنين (ع): تفکر ساعة خیر من

عباده سبعین سنه؛ لحظه‌ای فکر بهتر از هفتاد سال عبادت است. الإمام الصادق (ع): تفکر ساعه خیر من عباده سنه - لحظه‌ای فکر بهتر از یک سال عبادت است. رسول الله (ع): فکرة ساعه خیر من عباده سنه - لحظه‌ای فکر بهتر از یک سال عبادت است. الإمام علی (ع): فکر ساعه قصیره خیر من عباده طویله - لحظه‌ای کوتاه تفکر برتر است از عبادتی طولانی. الإمام الصادق (ع) لما سأله الحسن الصیقل: تفکر ساعه خیر من قیام ليله؟ قال: نعم، قال رسول الله (ع): تفکر ساعه خیر من قیام ليله ... (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴).

نشئه آخرت و عالم غیب	• مقام روحانیت و عقل
نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین	• مقام خیال
نشئه دنیا و عالم ملک و شهادت	• مقام حس و بدن عنصری مادی

نمودار ۴. مراتب سه گانه‌ی حقیقت انسان که بیان‌گر مراتب شاکله و تبیین‌کننده‌ی نظریه‌ی رفتاری مبتنی بر شاکله از دیدگاه حکما

ج- قلب: بررسی چند آیه‌ی زیر نشان می‌دهد که یکی از معانی قلب در قرآن کریم جایگاه احساس و عاطفه است، زیرا در آیات زیر کوری، مریضی، قساوت، آرامش، تکبر، غفلت، وسوسه، هدایت، و غیره به قلب نسبت داده می‌شود: «ختم الله علی قلوبهم - خدا بر دل‌های آن‌ها مهر نهاد» (بقره/۷) «فی قلوبهم مرض» - در دل‌های آن‌ها مریضی است» (بقره/۱۰) «ثم قست قلوبکم - سپس سخت دل شدید» (بقره/۷۴) «ألا بذکر الله تطمئن القلوب» - آگاه باشید که با نام خدا دل‌ها آرامش پیدا می‌کند» (رعد/۲۸). به‌طور یقین آثار و خواص روحی و روانی چون احساسات، شعور و اراده، حب، بغض، امید و ترس و غیره همه مربوط به قلب می‌باشد. «انسان در عین این که موجودی واحد است صدها و هزارها بُعد وجودی دارد. آنچه را قرآن کریم قلب می‌نامد عبارت می‌باشد از آنچه امیرالمؤمنین (ع) در سخنی بسیار دقیق و لطیف می‌فرماید: القلب مُصحفُ الفكر. قلب کتاب

و دفتر فکر و اندیشه است. و در سخنی دیگر رابطه‌ی دریچه‌های شناخت‌های حسی را با چشمه‌ی اصلی معرفت این گونه توضیح می‌دهند: القلب ينبوع الحكمة والأذن مغيضها. قلب چشمه جوشان حکمت و گوش (حس شنوایی) محل و مدخلی می‌باشد که چشمه‌ی قلب از آن تغذیه می‌شود. در حدیث دیگری از امام علی (ع) نقل شده است که: العیون طلائع القلوب. چشم‌ها دیده‌بان قلب‌ها هستند یعنی حس بینایی ابزاری برای قلب بوده و قلب به وسیله‌ی آن اطلاعات لازم را کسب می‌کند. (مطهری، ۱۳۷۷).

۸. مراتب روح در انسان

در آیه‌ی اولیه‌ی مورد بحث (اسراء- ۸۴ و ۸۵) که از شاکله صحبت می‌شود، در ادامه‌ی آیه صحبت از روح به میان می‌آید: وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا (الاسراء- ۸۵) - [ترجمه فولادوند: و درباره‌ی روح از تو می‌پرسند، بگو: «روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.»] از آن جا که در نظریه‌ی تکوین یافته در این پژوهش، مراتب انسان برای تبیین مفهوم شاکله بیان شده، لازم است که به بحث روح در متون دینی پرداخته شده و ارتباط روح با مراتب پیش گفته (عقل، ذهن، قلب، حواس)، بیان شود. آن چه از متون دینی به عنوان داده‌های اولیه به دست می‌آید این است که مراتب روح به صورت‌های زیر برای گروه‌های مختلف مردم معرفی شده‌اند. بخشی از حدیثی طولانی از امام علی علیه السلام که در اصول کافی بیان شده بدین ترتیب می‌باشد: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: جَعَلَ اللَّهُ فِي الْأَنْبِيَاءِ خَمْسَةَ أَرْوَاحٍ رُوحَ الْقُدُسِ وَ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ وَ رُوحَ الْبَدَنِ ... جَعَلَ اللَّهُ فِي الْمُؤْمِنِينَ أَرْبَعَةَ أَرْوَاحٍ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ وَ رُوحَ الْبَدَنِ فَلَا يَزَالُ الْعَبْدُ يَسْتَكْمِلُ هَذِهِ الْأَرْوَاحَ الْأَرْبَعَةَ حَتَّى تَأْتِيَ عَلَيْهِ حَالَاتٌ ... فَأَمَّا أَصْحَابُ الْمَشَامَةِ فَسَلَبَهُمُ رُوحَ الْإِيمَانِ وَ أَسَكَّنَ أَيْدَانَهُمْ ثَلَاثَةَ أَرْوَاحٍ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ وَ رُوحَ الْبَدَنِ ثُمَّ أَضَافَهُمْ إِلَى الْأَنْعَامِ فَقَالَ إِنَّهُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ لِأَنَّ الدَّابَّةَ إِنَّمَا تَحْمِلُ بِرُوحِ الْقُوَّةِ وَ تَعْتَلِفُ بِرُوحِ الشَّهْوَةِ وَ تَسِيرُ بِرُوحِ الْبَدَنِ ... (کلینی، ۱۳۷۹). یعنی خداوند در انبیاء علیهم السلام ۵ روح قرار داده: روح القدس، روح الایمان، روح القوه، روح الشهوه، روح البدن و در مؤمنان ۴ روح قرار داده: رُوحَ الْإِيمَانِ وَ رُوحَ الْقُوَّةِ وَ رُوحَ الشَّهْوَةِ وَ رُوحَ الْبَدَنِ و در

اصحاب شمال سه روح قرار داده: روح قوت و روح شهوت و روح بدن (محمدی ری شهری، ۱۳۸۴؛ ابن شعبه، ۱۳۷۸).

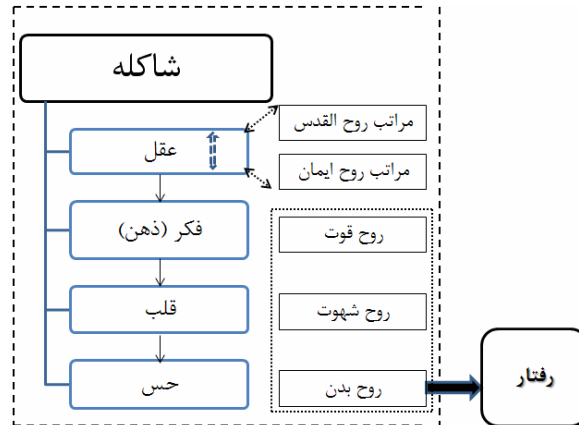
مراحل کدگذاری باز و محوری در این مورد و موارد قبل عبارتند از:

جدول ۳. کدگذاری باز و استخراج مقوله‌ها از متون دینی

مقوله‌های کدگذاری باز	گزاره‌های متنی به‌دست آمده از متون دینی
شاکله	قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهٖ
عمل کردن (رفتار)	
پرورش یافتن (رب)	فَرَبُّكُمْ اَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ اَهْدٰى سَبِيْلًا
هدایت یافتگی (تغییر رفتار در جهت خاص)	
روح	وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوْحِ قُلِ الرُّوْحُ مِنْ اَمْرِ رَبِّيْ وَمَا اُوْتِيتُمْ مِّنَ الْعِلْمِ اِلَّا قَلِيْلًا
روح القدس	
روح ایمان	
روح قوت (نیرو)	جَعَلَ اللّٰهُ فِي الْاَنْبِيَاءِ خَمْسَةَ اَرْوَاحٍ رُّوْحَ الْقُدُسِ وَ رُّوْحَ الْاِيْمَانِ وَ رُّوْحَ الْقُوَّةِ وَ رُّوْحَ الشَّهْوَةِ وَ رُّوْحَ الْبَدَنِ
روح شهوت	
روح حیات (بدن)	
روح ایمان	
روح قوت	جَعَلَ اللّٰهُ فِي الْمُوْمِنِيْنَ اَرْبَعَةَ اَرْوَاحٍ رُّوْحَ الْاِيْمَانِ وَ رُّوْحَ الْقُوَّةِ وَ رُّوْحَ الشَّهْوَةِ وَ رُّوْحَ الْبَدَنِ
روح شهوت	
روح بدن	
روح قوت	
روح شهوت	فَاَمَّا اَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ فَسَلَبُوْهُمُ رُّوْحَ الْاِيْمَانِ وَ اَسْكَنُوْا اَبْدَانَهُمْ ثَلَاثَةَ اَرْوَاحٍ رُّوْحَ الْقُوَّةِ وَ رُّوْحَ الشَّهْوَةِ وَ رُّوْحَ الْبَدَنِ
روح بدن	
استکمال روح مومن (استکمال روح ایمان)	فَلَمَّا يَزَالُ الْعَبْدُ (المومن) يَسْتَكْمِلُ هَذِهِ الْاَرْوَاحَ الْاَرْبَعَةَ حَتّٰى تَاْتِيْ عَلَيْهِ حَالَاتٌ
عقل	الْعُقُوْلُ اَنْمَهُ الْاَفْكَارِ
فکر (ذهن)	
قلب (مرکز عواطف و احساسات)	وَ الْاَفْكَارُ اَنْمَهُ الْقُلُوْبِ
حس	الْقُلُوْبُ اَنْمَهُ الْحَوَاسِ
عضو (رفتار)	وَ الْحَوَاسُ اَنْمَهُ الْاَعْضَاءِ

الگوی رفتاری کامل شده از تحلیل داده‌های بیان شده به صورت نمودار شماره (۵) ارایه

می‌شود.



نمودار ۵. الگوی نظری رفتار مبتنی بر شاکله از منظر دینی و تبیین نقش شاکله در رفتار

۹. تبیین نهایی الگوی رفتار کارآفرینانه در پرتو مفهوم دینی شاکله

برای داشتن رفتار دایمی کارآفرینانه باید شاکله‌ی کارآفرینانه داشت (شکل شماره ۱). با توجه به نمودار شماره (۵) آنچه باعث ایجاد یک شاکله‌ی کامل و رفتار کامل و به تعبیری کارآفرینانه از منظر دین می‌باشد، چیزی است که در ادبیات دینی با تعابیر عقل و روح ایمان و روح القدس از آن نام می‌برند. از آنجا که روح القدس مخصوص انبیاء و اولیا علیهم‌السلام دانسته شده و روح ایمان در یک کارآفرین دینی و ارزشی حاکم می‌باشد. با توجه به مقوله‌ی استكمال روح مومن (جدول شماره ۳)، می‌توان گفت روح ایمان مراتبی دارد و هرچه روح ایمان از مراتب بالاتری داشته باشد، فرد عقل بالاتری داشته و توان کنترل سایر ابعاد وجودی خود را با قدرت بیش‌تری دارد و رفتار خاصی که از او سر می‌زند با تعابیری که ارائه شد، یک رفتار کارآفرینانه خواهد بود. به عبارت دیگر رفتاری خواهد بود که در هر موقعیتی که قرار گیرد خلق ارزش خواهد کرد. نقش شاکله در کارآفرینی دین‌محور فوق‌العاده زیاد بوده و در نهایت به عقل از منظر دینی یا روح ایمان در فرد بر می‌گیرد. از این رو تقویت روح ایمان با استفاده از آموزه‌های دینی نقشی اساسی

در بروز رفتار کارآفرینانه دارد. همان‌گونه که جدول (شماره ۳) نشان می‌دهد، کامل کردن روح ایمان باید لحظه به لحظه انجام شود. این مهم جز تبعیت کامل از دستورات شرع مقدس محقق نخواهد شد.

بحث و نتیجه

کارآفرینی ارزشی نوعی شیوه‌ی زندگی دینی است که در آن در تمام زوایا و ابعاد زندگی، خلق ارزش روی می‌دهد. مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رفتار، شاکله می‌باشد. مفهوم شاکله از آیه‌ی ۸۴ سوره‌ی اسراء اخذ شده است. هر شخصی با توجه با شاکله‌ی خویش رفتار می‌کند و تغییر رفتار منوط به تغییر شاکله می‌باشد. از این رو داشتن رفتار کارآفرینانه منوط به داشتن شاکله‌ی کارآفرینانه است. هم‌چنین آن‌چه باعث ایجاد رفتار کارآفرینانه از منظر دین می‌باشد، چیزی است که در ادبیات دینی با تعابیر عقل و روح ایمان و روح القدس از آن نام می‌برند. از آن‌جا که روح القدس مخصوص انبیاء و اولیا علیهم‌السلام دانسته شده، روح ایمان در یک کارآفرین دینی و ارزشی حاکم می‌باشد. روح ایمان مراتبی دارد و هرچه روح ایمان مراتب بالاتری داشته باشد، فرد عقل بالاتری دارد و توان کنترل سایر ابعاد وجودی خود را با قدرت بیش‌تری داشته و رفتار خاصی که از او سر می‌زند با تعابیری که ارائه شد، یک رفتار کارآفرینانه خواهد بود. به‌عبارت دیگر رفتاری خواهد بود که در هر موقعیتی که قرار گیرد خلق ارزش خواهد کرد. این موضوع محور نظریه‌ای می‌باشد که در این مقاله تدوین شده و براساس آن نحوه‌ی تغییر رفتار مبتنی بر تغییر شاکله توضیح داده شده است. توصیه‌ی کاربردی این پژوهش، این می‌باشد که برای ارتقای رفتار و تبدیل آن از یک رفتار معمولی به رفتار کارآفرینانه، می‌بایست انسان از لحاظ وجودی ارتقا یافته و به روح ایمان دست یابد و مراحل کامل شدن روح ایمان را لحظه به لحظه طی کند. این مهم جز با تبعیت کامل از دستورات شرع مقدس محقق نخواهد شد.

منابع

قرآن کریم.

- ابن شعبه، حسن ابن علی (۱۳۷۸). تَحْفُ الْعُقُولِ عَنْ آلِ الرَّسُولِ، تهران، نشر صدوق.
- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۰). کارآفرینی: تعاریف، نظریات و الگوها. چاپ سوم، تهران، شرکت پردیس ۵۷.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررُالحکم و دررالکلم. چاپ اول، قم، انتشارات دفتر تبلیغات.
- راغب اصفهانی، ابی القاسم الحسین بن محمد (۱۳۸۸). المفردات فی غریب القرآن. بیروت، انتشارات موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- زَمَخْشَری، ابوالقاسم محمود بن عُمَرَ (۱۴۳۰ ق). اساس البلاغه: لغتنامه عربی به عربی. بیروت، انتشارات مکتبه العصریه.
- سبزواری، ملاهادی (۱۳۸۴). شرح المنظومه، قسم الحکمه: غرر الفرائد و شرحها، صححه و علق علیه حسن حسن زاده آملی، تحقیق مسعود طالبی. قم، نشر ناب.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۳۱ ق). عِلَلُ الشَّرَائِعِ، چاپ اول، بغداد، انتشارات دار الکتب العربی.
- صمدآقائی، جلیل (۱۳۸۷). کارآفرینی پیشرفته: کارآفرینی در کارآفرینی. چاپ دوم، تهران، انتشارات موسسه کار و تامین اجتماعی.
- طباطبائی، محمد حسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. مترجم محمدباقر موسوی همدانی. قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- کلینی، محمد ابن یعقوب (۱۳۷۹). اصول کافی. ترجمه محمد باقر کمره ای. چاپ نهم، انتشارات اسلامی.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۴ ق). بحار الأنوار: باب کتاب العقل فی فضل العقل و ذم الجهل. بیروت، موسسه الوفاء. ج ۱، ص ۹۶، ح ۴۰.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۴). دانش نامه میزان الحکمه، قم، موسسه دارالحدیث.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۷). آشنایی با قرآن. قم، انتشارات صدرا.

- Baron, R. A., & Shane, S. A. (2005). *Entrepreneurship A Process Perspective*. 2nd Edition, Thomson Learning Academic Resource Center, USA.
- Jennings, D. (1994). *Multiple Perspective of Entrepreneurship Test, Readings, and Cases*. Cincinnati, Ohio: South-Western Publishing Co.
- Stevenson, H., Roberts, M. & Grousbeck, H. (1989). *New Business Ventures and the Entrepreneurs*. Homewood III: Richanrd Irwin Inc.
- Timmons, J. (1990). *New Venture Creation*, Boston: IRWIN, Homewood.
- Timmons, J.A., and Spinelli, S. (2005). *New Venture Creation Entrepreneurship for 21th Century*. 7th edition, McGrow Hill, USA.

